

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

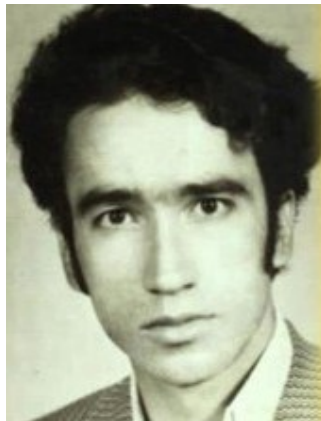
www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شاعر: زنده یاد "داوود سرمد"
ویراستاری و ارسال از: احمد پوپل
۰۱ اگست ۲۰۲۱



اشعار زنده یاد «داوود سرمد»

(۳)

غرور تلخ

نمی خواهم به پای نازنینان بمالم چشم و سایم من جبین را
به صد خواری دهم تن بامذلت گهی پا بوسم و گاهی زمین را
مرا شوری بود در سر که هرگز هوای قـد و بالائی ندارم
مرا اندیشه خلق است در سر غم دلدار زیبائی ندارم
من آن شاهین صفت مرغم که هرگز نمی گردد اسیر حلقه مو
نه توصیف لب گلگون نمایم نمی گویم سخن از چشم جادو
من آن فریاد خاموشم که عمریست گره خورده ز خشم اندر گلویم
منم چون اخگری در مجمر خلق که بوده پرده دودی به رویم
ز ارباب ستم در کشور خود بسی نفرت درون سینه دارم
به این دون فطرتان حلقه درگوش نه پنهان، آشکارا کینه دارم

نــدارم آرزوی زر که باشد به زیرِ پای خود وجدان نمودن
ز خون و شیرۀ جانِ ستمکش نمی‌خواهم به آسایش غنودن
اگر از جاه و ثروت بهره‌ام نیست غرورِ تلخ می‌باشد نصییم
به سختی مُحکم مانند پــولاد جهانی رشک دارد بر شکیم
به آزادی دو روزه عمر کردن نه بعد از سالها چون بنده مردن
نه مرگِ پَر قویم، آرزوی‌ست که می‌خواهم به سنگر جان سپردن

سنبله ۱۳۵۲ خورشیدی «سرمد»